

۱۶ دی هجری **۱۶ دی** **هجری شمسی** = **۱۶** → laminpouria@gmail.com امیر پوریا



«دژاوو»ی بیگانگی کیفا باتکنولوژی
آنچه پریسب در دو بازی روز دوم مرحله یک‌هشتم نهایی جام ۲۰۱۰ روی داد، بار دیگر یادآور همان مشکلی بود که هفته گذشته در یکی از یادداشتهای همین ستون «دو نیمه در بهشت» با اشاره به خطای محرز داوری در مورد نپذیرفتن گل سوم آمریکا در برابر اسلونی، به آن پرداخت: اینکه هنوز برایم روشن نیست چرا فیفا اصرار دارد در دوران پیشانیجیتال سر کند و بازی‌ها را فقط به رای داور دوان در میان زمین بگرداند. به این اشاره کردم که وقتی اسلوموشن در فاصله چند ثانیه بعد از وقوع حرکت و حادثه منجر به گل سوم آمریکا، آن را به جهانیان نشان می‌دهد و چندسایر فیورن تر سر تاسر دنیا می‌داند که گل صحیح نمی‌اندیشد که در شکلی کم‌وبیش مشابه مسابقات کشی، رای داور وسط با رای نهایی داور زمین ترکیب و تکمیل شود که بیرون از مستطیل سبز نشسته و مانیتورهای متصل به تمامی دوربین‌های دور زمین را مبای قضاوت همراه با حق وتوی خود قرار می‌دهد؟ این اصرار به دوری از تکنولوژی روز و توقف در شرایط قیقوتوسی «احرام محض به داور مسابقه» که به راحتی می‌تواند مترادف به قبول ناحق باشد، تا کی بنیاست تداوم یابد؟

البته مقصودم از این بحث، یادآوری نارسایی عملکردی در خصوص اصلاح ضروری قوانین و شیوه داوری فوتبال است. وگرنه، به هیچ عنوان تصور نمی‌کنم گل ۲-۲ فرانک لمپارد که از خط دروازه آلمان گذشت اما از سبوی داور ایتالیایی مردود اعلام شد یا گل آفساید آرتانگلیس که مرکزیک را مهبای خوردن گل‌های بعدی کرد، در صورت تغییر رای داور می‌توانست تغییری در نام تیم برنده بازی پیدا یابورد. میزان اقتدار و سرعت و چالاکي و طراوت تیم هوشیار یواخیم لو و تسلط همه‌جانبه تیم بسیار پرشور و باانگیزه ملاردوای عزیز بس بیش از آن بود که بگویم این دو اتفاق هرچند ناروا در مسیر داوری، احیاناً می‌توانست با یکشنه‌بیش منجر شود. نمی‌خواهم این تغییر عوامانه را مطرح کنم که اگر این یک گل انگلیس هم پذیرفته می‌شد، آلمان ۴ بر ۲ می‌برد یا اگر داور آن گل آرتانزین را قبول نمی‌کرد، راه‌راه‌پوشان که ویژگی «دوست داشتنی بودن» اسمال‌شان را از مارادونا به ارث برده‌اند، باز ۲-۱ بر یک برنده می‌شدند. طبعاً و قطعاً مداخلات روانی و نوع و جدان اتفاقات توی زمین این‌گونه نیست که بتوان گفت آن یک گل فقط در سبستی آلمانی و عوارز ارزش دارد و ادعا کرد که با حذف شمارش آن نتیجه بازی به لحاظ تعیین تیم پیروز، تغییری نمی‌کند. معلوم نیست انگلیس در صورت «برگشتن به بازی» (تغییر تکرارنشده جذاب عادل فردوسی‌پور) با آن گل ۲-۲، در نیمه دوم با چچه انگیزه‌ای از دروازش دفاع می‌کرد یا احتمالاً کمتر با این تعداد به سمت دروازه رزمین‌ها هجوم می‌برد تا این طور در ضدمحمله‌های آنان اچمز نشود. اما منتهای این بحث‌ها، می‌خواهم بگویم برای مقابله با برزبلی که مدام و مرحله به مرحله دارد با قرعه آسان و با همان خردنمای‌های همیشگی فوتبال عامه‌پسندش پیش می‌رود، همین که آلمان برنده بازی اول شد و بازی دوم به طور طبیعی و قابل پیش‌بینی، آرتانزین را به یک چهارم نهایی فرستاد، بهتر و دلپذیرتر و امیدوار کننده‌تر بود. می‌ماند این اندوه که در بازی یک‌چهارم نهایی روز شنبه هفته آینده، نمی‌دانیم باید با این علاقه‌ای که تیم شاداب یواخیم لو در بسیاری از ما برانگیخته، همراه شویم یا به رزیبایی این اتفاق که ملاردوای کبیر باز بر احتمالات قهرمانی دواوراش- این بار در کسوت مربی- بیفزاید، دل بنددیم؟ هر اتفاقی که در بازی شنبه در راه باشد، چشمی خندان و چشمی گریان خواهیم بود. می‌زمانی دوستم حمیدرضا ایک در ستایش علی دایی به عنوان فردی تحصیلکرده، نوشته بود: «همین که او برخلاف بقیه مهمانان معمول برنامه «دو» می‌تواند مثلاً عدد ۹۱۳۲۷۰ را به عنوان شماره انتخابی‌اش از میان افراد شرکت‌کننده در نظرسنجی اس‌ام‌اسی برنامه به سرعت بدون لکنت به زبان بیابورد و مرتکب اشتباه فاحش نشود یا فقط به سراغ عدد رند نرود، خودش زمینه‌ای برای تحسین اوست. به اینکه این دیدگاه درست است یا نه و اساساً دایی به این دلیل یا نه دلیل دیگری باید تحسین شود یا خیر، کاری ندارم. می‌خواهم این مورد مشابه را مطرح کنم که برای من همین یک دلیل می‌تواند کافی باشد تا عادل فردوسی‌پور را بهترین گزارشگر فوتبال تلویزیون خودمان و بهره‌مند از قابلیت طرح در بالاترین سطوح بدنیاد، اینکه او بعد از مشاهده شباهت اتفاق «گل زیر طاق» لمپارد به گل مشابه و البته پذیرفته‌شده جف هورست در فینال جام ۱۹۶۶، می‌گوید «این به دژاووی کامله که در این بازی اتفاق می‌افته». فکر می‌کنید منتهای مزدک می‌رزایی، چند نفر از باقی دوستان اصلاً این واژه را بیشتر شنیده‌اند؟ یا احیاناً با توضیح مبسوط و حتی تماشای چند فیلم مرتبط، از «دژاوو» تونی اسکات گرفته تا «روز گراند‌هاگ» افسانه روز دوم فوریه» هارولد رامپس، می‌توانند به حداقل ادراکی نسبت به آن دست یابند؟

◀ **پایان‌بش**



در ستایش آلمان جوان

بازی آلمان - انگلستان یادآور بازی‌های گذشته این دو تیم بود. هر دو تیم در بازی‌های مرحله گروهی نتوانستند انتظارات را برآورده کنند و در سه بازی هیچ‌گاه مدعی گونه بازی نکردند، به خصوص انگلستان که بسیار کمتر از حد انتظار ظاهر شد. آلمان که همچنان تکیه بر فوتبال ماشینی- تخریبی دارد، در این دوره با حضور مسعود اوزیل که یک نعمت بود توانست دگرگون شود. این بازیکن ترک‌تبار با اضافه کردن خلاقیّت به تیم آلمان، آنها را به یک تیم مک‌پارچه تبدیل کرده بود. در این بازی آلمان‌ها با بازیکنان جوان خود نمایش رزیبایی ارائه کردند و نشان دادند که می‌توان با کمی خلاقیّت به یک تیم بزرگ و منسجم تبدیل شد. آلمان‌ها با سیستم ۱-۲-۳-۴ زمین را به چهار قسمت تقسیم کرده بودند و بازیکنان در پست‌های مختلف بهترین بازی را در مقابل دشمن قدیمی انجام دادند تا به راحتی حریف را به چهار گل شکست دهند. اما انگلیسی‌ها در این بازی روال سه بازی گذشته را ادامه دادند و با همان سیستم قدیمی ۲-۴-۴-۰، از ابتدا تا انتهای بازی به فوتبال مدل انگلیسی پرداختند. تیم فوتبال انگلستان در این بازی از نظر روحی و روانی به‌هم‌ریخته بود. فشار مطبوعات و هواداران انگلستان باعث شده بود آنها نتوانند تمرکز لازم را داشته باشند. این تیم درون دروازه، خط دفاعی و خط میانی با مشکلات زیادی مواجه بود و خط محله آن هم اسیر تاکتیک تیم آلمان بود. در این دوره از مسابقات بودن یا نبودن رونی هیچ تفاوتی نمی‌کرد و حضور دوف هم نتوانست کمک‌کی به آنها بکند. در این بازی اشتباه داوری نقش بسزایی در شکست مردان جزیره داشت. شاید اگر گل آنها قبول می‌شد این تیم می‌توانست به بازی برگردد و حتی بازی را با پیروزی پشت سر بگذارد، اما به هر حال این بازی تمام بازی‌های یافتند و تیم‌های دیگر هم متضرر می‌شوند. البته انگلستان علت ناکامی‌اش را باید در تیم خودش جست‌وجو کند. فدراسیون فوتبال این کشور مدت زیادی است که تنها به رده باشگاهی اهمیت می‌دهد و از فوتبال ملی غافل شده است. تمام رونق فوتبال انگلستان در باشگاه‌هایش است و فوتبال ملی از استعداد خالی است. شاید با تکیه بر فوتبال انگلستان در این دوره از بازی‌ها گرفت و نتواند فوتبال این کشور به دنبال پیدا کردن راهکاری برای احیای فوتبال ملی بیفتد. فوتبال ملی آنها احتیاج به فکر جدید دارد و تا این فکر پیدا نشود، آنها همین‌گونه در جام جهانی و مسابقات بین‌المللی ظاهر می‌شوند. در مورد بازی آلمان- آرتانزین در مرحله یک‌چهارم نهایی نیز می‌توان به یک نکته اشاره کرد که بازی سخت و طاقت‌فرسای در انتظار آن دو تیم است. هر دو تیم حاضر نیستند در این مرحله از مسابقات عقب بکشند. پیش‌بینی در مورد پیروزی هر کدام از دو تیم کار سختی است. در یک طرف ستاره‌های آرتانزینی قرار دارند که می‌توانند با کارهای تکنیکی خود، خط دفاع آلمان را به زحمت بیندازند و در طرف دیگر آلمان قرار دارد که از لحاظ تکنیکی یکی از تیم‌های بزرگ این دوره از مسابقات است. تیم جوان آلمان با حضور بازیکنانی مثل اوزیل، خدیرا و بواتینگ می‌تواند تمام تیم‌ها را غافلگیر کند. البته نباید از دروازمای این تیم هم به راحتی گذشت که می‌تواند دروازه آلمان را ۱۰ سال بیمه کند. به طور قطع از این تیم جوان و خوب در جام جهانی بعدی در کشور برزیل به عنوان یک شانس مسلم قهرمانی نام خواهیم برد. این تیم می‌تواند هر تیمی را در دچر درسر کند. همان‌طور که کاپلو و باران باتجریه‌اش را زیر چرخ‌نده‌های فوتبال ماشینی خود له کرد.

◀ **هت‌تله**

هلدن ۲ – اسلواکی یک

نارنجی‌ها در جمع هشت تیم برتر

هلدن هم موفق شد به جمع هشت تیم برتر جام نوزدهم راه پیدا کند. دیروز در یکی دیگر از بازی‌های مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۱۰ هلدن مدعی با دو گل اسلواکی را شکست داد. آرین روبین قوی‌سترانه نارنجی‌پوشان که در دو بازی اول به علت مصدومیت غایب بود، در نیمه اول یکی از گل‌های همیشگی خود را به ثمر رساند. در دقیقه ۱۸ بازی رابین در سمت راست صاحب توپ شد و پس از یک مانور تماشایی با یک ضربه رزیبای پای چپ دروازه اسلواکی را باز کرد. در ادامه این بازی دو تیم چندین موقعیت گل مناسب داشتند. ضربات روبین، اشتایندر و کویت تبدیل به گل نشد. در آن سو ویتک مهاجم سه‌گله اسلواک‌ها هم دو موقعیت گل عالی را از دست داد. در دقیقه ۸۷ هلدن به گل دوم خود رسید. کویت به خوبی از دفاع اسلواکی عبور کرد و با یک پاس عالی اشتایندر را صاحب موقعیت کرد و اینن بازیکن خیال هلدن از زبایت صعود راحت کرد. با این حال این بازی یک حادثه مهم دیگر هم داشت: در وایسین ثانیه‌های آخر اسکلتبرگ دروازمای هلدن با خطا مارتین پاکوبکو مهاجم اسلواکی را سرنگون کرد، ربوریت ویتک چهارمین گل خود در جام جهانی را از روی نقطه پانالتی به ثمر رساند و کاری کرد که تیمش این بازی را با اختلاف یک گل بیزاد. هلدن هم مثل آرتانزین هر چهار بازی خود را برده است. اسلواکی هم که موجب حذف ایتالیا شده یا به جا گذاشتن کارنامه‌ای قابل قبول به خانه بازخواهد گشت. قضاوت این دیدار را که در ورزشگاه دوربان شهر دوربان انجام شد آلبرت اوندایانو باتینگو از تیم برنده انتخاب

۱۶ گزارش آخر

◀ **گزارشی**

مشکلات فدراسیون فوتبال کم بود، حالا اتفاقات مختلفی در خصوص نقش برخی از اعضای فدراسیون فوتبال در تعیین نتایج و صعود تیم‌ها به گوش می‌رسد. انتقادات از فدراسیون فوتبال کم نیست: انتقاداتی که البته بحق است اما تا به امروز همه روی یک موضوع اتفاق نظر داشتند، اینکه علی کفاشیان مدیر صادقی است و نگاه پاک‌ی به فوتبال دارد. این روزها پاک‌ی و صداقت فدراسیون فوتبال هم زیر سوال می‌برند و مشخص نیست فدراسیون چه واکنشی نسبت به این اتفاقات خواهد داشت. درباره مشاور کفاشیان حرف و حدیث بسیار است اما دنیوز خبرگزاری ایسنا در گفت‌وگو با یکی از مدیران از اتفاقی جالب پرده برداشت. ابراهیم میرمحمدی مدیر تیم سرخپوشان دالوارافزار در این‌باره گفت: مدیران تیم ابتدا امتیاز را به تیم دبیم اهسواز فروخته‌ند که آنها این تیم را به دسته دو براند. در نهایت با شکایت توانستیم این تیم را به تهران برگردانیم. می‌خواستیم امتیاز تیم را به اتحاد ششمین‌رات بفروشیم که شخصی به نام شهاب دادگزیزاد با ما تماس گرفت و گفت از طرف علی کفاشیان تماس می‌گیرد و می‌خواهد امتیاز تیم را به شخصی به نام ابوالحسن غلامی واگذار کنیم. او حرف‌هایش را این‌گونه ادامه داد: دادگزیزاد مشاور

سال پنجم - شماره ۹۹۹ - سه‌شنبه ۸ تیر ۱۳۸۹

مدیر عامل برق: پشت نفت یک فرد ذی‌نفوذ در فدراسیون است

علی کفاشیان رئیس فدراسیون است و اگرچه شرکت ما ارتباطی با کفاشیان ندارد اما به احترام رئیس فدراسیون امتیاز تیم را به آقای غلامی واگذار کردیم زیرا دادگزیزاد به ما گفته بود این شخص مورد تایید فدراسیون است. البته بحق است اما تا به چکی به مبلغ ۱۶۰ میلیون تومان در تاریخ ۲۴ آذر ۸۸ به غلامی که مسؤول امور ورزش نفت و گاز گچساران بود واگذار کردیم اما با گذشت چندین ماه هنوز نتوانسته‌ایم پول خود را بگیریم و آن چک برگشت خورده. آن هم در شرایطی که یک چک ضمانت دیگر به مبلغ ۱۶۰ میلیون تومان و بدون تاریخ از آقای غلامی در اختیار داریم. مسؤول ورزش شرکت دالوارافزار با اشاره به شکایت به کمیته انضباطی فدراسیون عنوان کرد: برای روشن شدن موضوع نزد الیکا رئیس حراست فدراسیون فوتبال رفتیم و به کمیته انضباطی هم شکایت کردیم. حتی ایرج قربانی مدیر تیم را به برندن. این تاج نایبرئیس فدراسیون در این‌مورد صحبت کرد که تاج به ایشان گفت این کار را هر کس انجام داده غیرقانونی بوده است. ما این همه تیم به استان‌های محروم دادیم آنها چرا سراغ تیم شما آمدند. گوز خیرگزاری مذکور برای پیگیری این موضوع با شهاب دادگزیزاد مشاور علی کفاشیان تماس گرفت که او گفت: این شخص دروغ می‌گوید و فقط

خط حمله آتشین اسپانیا در مقابل قلعه دفاعی پرتغال

جنگ همسایه‌ها برای بقا



مادرید در این جام ۱۷ شوت به سمت دروازه حریفان زده است که یکی از آنها در دیدار مقابل کره شمالی به گل تبدیل شد. او دو بار هم در یک دروازه حریفان راقبت‌ها هم چیزی رای از دست دادن نداریم. ما فقط کارت زرد دریافت کرده‌اند. کریستیانو رونالدو، پدرو مندس، هوگو المیدا، پیه، تیاگو، فابیو کوئنترانو و دوندا بازیکنان یک‌خطاره پرتغال هستند. این در حالی است که هیچ‌یک از بازیکنان نمی‌ملی اسپانیا در این رقابت‌ها کارتی دریافت نکرده‌اند. در رویایی‌های این دو تیم اسپانیا تاکنون ۱۵ بار پیروز شده است و سهم پرتغال تنها پنج پیروزی بوده. هر چند روی کاغذ اسپانیا شانس اول پیروزی در این دیدار محسوب می‌شود اما بازیکنانی چون کریس رونالدو و سیماو می‌توانند نتیجه‌ای دور از انتظار را برای این بازی رقم بزنند.

◀ **گزارشی**

◀ **محمدرضا اخوندی**

فوتبال زنان، موضوعی تازه برای اختلاف نظر سازمان و کمیته اصل مدال‌آوری را فراموش نکنیم

است.کمیته ملی المپیک ایران به عنوان نخستین مرجع پاسخگو در برابر موقعیت‌ها و شکست‌های اعزامی به بازی‌های بین‌المللی تصمیم بر آن گرفته که با توجه به ضعف تیم فوتبال بانوان ایران، این تیم در رقابت‌های آسیایی شرکت نکند. فدراسیون فوتبال نیز بر این موضوع صحه گذاشته و از این تصمیم حمایت کرده است. با این حال گویا این تصمیم به مذاق معاون بانوان سازمان تربیت بدنی خوش نیامده است:ایشان غیراصولی همه تیرها را به سوی پهرام افشارزاده به عنوان دبیرکل کمیته ملی المپیک گرفته است. پهرام افشارزاده درباره اینکه تیم فوتبال بانوان به بازی‌های آسیایی گوانجوو انتقاد کرده است، اظهار داشت:ایشان مسوولیتی ندارد که چنین انتقادی را مطرح می‌کند.کمیته ملی المپیک و سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال مسوولیت دارند و ما باید پاسخگو باشیم. اما آبروی خودمان و ایران را دوست داریم که می‌گوییم این تیم اعزام نشود. همه از تیم‌های اعزامی به این رقابت‌ها و مدال می‌خواهند، تیم فوتبال آقایان و چه نیم بانوان. بازی‌های آسیایی جای تجربه کسب کردن نیست. اگر می‌گوییم تیم اعزام نشود به این دلیل است که کشورمان را دوست داریم و نمی‌خواهیم باعث سرشکستگی باشیم، البته اینکه تیم ایران در بازی‌های آسیایی نتیجه خوبی نخواهد گرفت، موضوعی است که مسؤولان سازمان تربیت بدنی به آن واقف هستند، اما با این حال اکبرآبادی اهداف دیگری از این اعزام دارد. «ما می‌خواهیم این تیم برای ثبت شرایطش در مسابقات ورزشی‌روزی (با اشاره به موضع پوشش اسلامی و کمیته المپیک و فدراسیون فوتبال مبنی بر اعزام آسیایی حاضر شود و به هیچ عنوان از آنها نتیجه‌ی نمی‌خواهیم. به بحث توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»

توسعه، هدف‌گذاری مهم است نه صرفاً مقام.»